

ماهینامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شاه در کنگره ای که بمناسبت ده سالگی باصطلاح انقلاب سفید برپا شده بود اعلام داشت که دولت ایران قرار دادی را که در سال ۱۹۵۴ با کنسرسیوم منعقد گردیده، پس از انقضای مهلت آن، یعنی شش سال دیگر (در سال ۱۹۷۹) تمدید نخواهد نمود. مجلسین در جلسه مشترکی که در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۵۱ تشکیل دادند طی لایحه قانونی این اظهار شاه را مورد تأیید قرار دارند.

اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت خواست مبرم مردم ایران است

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

نفرت خاموش نشدنی مردم ایران نسبت به کنسرسیوم غارتگر، تلاش هیئت حاکمه ایران برای استفاده از این وضع، هم بمنظور تحصیل سود بیشتر و رفع نیازمندیهای مالی خود و هم برای ترمز کردن گسترش سریع عدم رضایت عمومی، هیئت حاکمه را مجبور کرد که قدم بقدم در مسئله نفت از مواضعی که پس از کودتای ۲۸ مرداد علیرغم منافع مردم ایران اتخاذ کرده بود عقب بنشیند. در همین زمینه باید از مبارزات مشترک کشورهای تولیدکننده نفت (اپک) علیه کارتل بین المللی نفت یاد کنیم که در مواردی به موفقیتهای قابل توجهی نیز رسید.

بدین ترتیب هیئت حاکمه ایران تحت تأثیر فشار افکار عمومی، شرایط جهان و منطقه، در دوران تشدید رقابتهای درونی امپریالیستی، در دورانی که امپریالیستهای امریکا در آسیا و اروپا مجبور به عقب نشینهایی در برابر جبهه وسیع ضد امپریالیستی میشوند، ناگزیر شد عقب نشینی خود را از مواضع غیر قابل نگهداری حفظ و تمدید قرار داد کنسرسیوم اعلام دارد. قرار داد ننگین با کنسرسیوم غارتگر پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ساقط کردن اجباری حکومت ملی دکتر مصدق دنباله در صفحه ۲

موضعگیری شاه و مجلسین ایران در مورد عدم تمدید قرارداد اسارتبار بدون تردید نمودار تشدید تناقضات بین هیئت حاکمه ایران از سوئی و انحصارهای غارتگر نفتی امپریالیستی از سوی دیگر است. این انحصارها خواهند کوشید تا ایران را تحت فشار قرار دهند و او را به عدول از راهی که اعلام کرده و قبول سازش و ادرا سازند. طبیعی است که تنها روش درست پیگیری در مشی اعلام شده و رساندن آن به نتایج منطقی آن یعنی اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت است. تردیدی نیست که مردم ایران برای پیشبرد چنین هدف درستی که با مصالح ملی ما موافق است از هر گونه فداکاری و مبارزه علیه کنسرسیوم غارتگر و سیاست نواستعماری وی دریغ نخواهند ورزید و باتسک پستیانی مردم میتوان هر مشکلی را در راه نیل به اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت از سر راه برداشت.

تغییر مستمر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم، صلح و دموکراسی در عرصه جهان و در نتیجه آشکار شدن روزافزون ناتوانی امپریالیسم، توسعه مبارزات ملی در کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای منطقه خاور میانه، پیروزی خلقها در دستیافتن حقوق خود در اینجا و در آنجا،

درد شور انگیز به خلق قهرمان و پیروزمند ویت نام

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

بحران عمیق ساخت. اقتصاد امریکا را دچار تزلزل نمود، جنبش ضد جنگ ویتنام در داخل امریکا دامنه ای وسیع گرفت و حتی منجر به تقسیم محافل حاکمه کشور شد. این جنگ چهره ددمنش و خون آشام امپریالیسم امریکا را در جهان بشکلی بی امان افشاء کرد، ضعف امپریالیسم را بر ملا نمود، امپریالیسم امریکا را که در آغاز جنگ ویتنام در میان متحدین خود نوای مخالفی نمیشد، در پایان این جنگ حتی در میان متحدین و دوستان منفرد شد. چنانکه زمامداران کشورهایمانند سوئد، فرانسه، کانادا و غیره لب به تقیح بمباران جنایتکارانه امریکا در ویتنام گشودند و حتی نخست وزیر سوئد عمل امریکا را با عمل فاشیستها همطراز شمرد. امپریالیسم امریکا آرزو داشت با کسب پیروزی در جنگ ویتنام مواضع امپریالیستی را از هر گونه مبارزات خلقی در امان نگاه دارد و نیروهای ارتجاعی را در جهان و بویژه در دنیای سوم تقویت کند و نقش ژاندارم جهانی را علیه جنبشهای انقلابی و رهایی بخش ایفاء نماید، ولی سرانجام در این تقلا ننگین خود با ناکامی فاحش روبرو گردید. امپریالیسم امریکا با حملات هوایی خود پس از اکتبر ۱۹۷۲، هنگامیکه عهد شکنانه قراردادی را که با آن موافقت کرده بود زیر پا نهاد و بر جمهوری دموکراتیک ویتنام با هوایماهای استراتژیک ب-۵۲ که گزند ناپذیر اعلام شده بود، فرس آتش گسترده، آخرین تلاش جنایتبار خویش را برای تحمیل اراده خود بکار برد. جمهوری دموکراتیک ویتنام با از میان بردن قریب نشت مجموع هوایماهای استراتژیک ب-۵۲ ضربت مخفومی سنگینی بر امپریالیسم مغرور و مهاجم وارد ساخت. این جنایت آخرین که اوج جنایتکاری امریکا در ویتنام بود چنان وی را در جهان منفرد ساخت که دیگر برایش راه دنباله در صفحه ۳

روز ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ پس از قریب پنج سال مذاکره، سرانجام سیاست خرابکاری و تعویق محافل تجاوزگر امپریالیستی امریکا عقیم ماند و امریکا مجبور شد قرارداد «خاتمه جنگ و استقرار مجدد صلح در ویتنام» را که همراه نماینده جمهوری دموکراتیک ویتنام در ۲۳ ژانویه در پاریس پاراف کرده بود، امضاء کند. بدین ترتیب یک جنگ خونین، بلند، تجاوز گرانه از جانب امریکا پس از ۱۳ سال متادای خاتمه پذیرفت. قرارداد خاتمه جنگ و استقرار صلح پیروزی عظیم خلق قهرمان ویتنام، پیروزی برجسته اردوگاه سوسیالیسم، پیروزی بزرگ همه هواداران صلح است و منجر به خاموش شدن یک اجاق خصم جنگ در آسیای جنوب خاوری شده است. انعقاد این قرارداد شکست تاریخی امپریالیسم امریکا و دست نشاندگان خائن او در سایه گون است. امریکا علیرغم صرف مبلغ سرسام آور ۱۳۶ میلیارد دلار برای جنگ ویتنام، علیرغم شرکت دادن دومیلیون و نیم سرباز بشکل مستقیم در این جنگ، علیرغم ریختن هفت میلیون و نیم تن بمب بر روی سرزمین مصیبت کشیده ویتنام یعنی سه برابر و نیم بمبی که در دومین جنگ جهانی بر روی آلمان فاشیستی ریخته شده، علیرغم نابود کردن شهرها، سدها، بندرها، جاده ها، مزرعه ها، جنگلها، علیرغم قصابی مردم بطور مستقیم یا بدست جلاخان رژیم سایه گون، مانند کشتار وحشتناک «سونگ می» و ایراد دو میلیون نفر تلفات به خلق سی میلیونی ویتنام نتوانست اراده مردم قهرمان ویتنام را درهم شکند، نتوانست، چنانکه میخواست و ادعا داشت باصطلاح کمونیسم را در ویتنام نابود سازد. جریان جنگ ویتنام که در آن حتی بنا به تأیید وزارت جنگ امریکا این کشور قریب ۵۰ هزار تن کشته و ۳۰۰ هزار تن زخمی دیده است، تمام جامعه امریکا را دچار

ترازنامه دهه «انقلاب»

(در باره باصطلاح «کنگره ملی»)

گذشت ده سال از مرحله نوین درجیات رژیم مسلط بر میهن ما دستاویز دیگری برای تکرار خیمه شب بازهای سنتی و گسترش نمایشهای تبلیغاتی مستمر دولت قرار گرفته است. مرحله نوین، نه از آنجهت که در بنیاد جامعه انقلاب روی داده و یادرمایت رژیم تحول حادث شده. این دهه نیز سرشار از تضادها، و محرومیت های یک جامعه طبقاتی متحول در راه سرمایه داری وابسته با امپریالیسم در سیمای منفور استبداد فردی بود. نوین بدان معنی که در سیاست و شیوه عمل نهیست حاکمه برای حفظ موجودیت و تأمین منافع خود عناصر تازه ای پدید می آید که بصورت رفرمها و اقدامات گاه با محتوی کما بیش جدی و چه بسا رویه کارانه نمودار میگردد. آن چیزیکه گردانندگان رژیم انقلابش مینامند.

اکنون رباکارانه خود را مبتکر طرح این مسائل و عامل اجرای این شعارها جلوه میدهند. خواسته های مردم و شعارهای حزب توده ایران چه بود و رژیم مسلط بر ایران طی ده سال «انقلاب» چه کرده است؟ مبارزه با امپریالیسم، دور داشتن میهن ما از ماجراهای سیاسی و نظامی امپریالیستی و تأمین استقلال سیاسی کشور از آرمانهای مردم ما و از شعارهای حزب توده ایران است. ولی، هیئت حاکمه در دهه «انقلاب» نه فقط در راه خروج از پیمانهای نظامی و قطع رشته های وابستگی سیاسی گام بر نداشت، بلکه گویی برای تکمیل کارنامه خود، بخصوص در اواخر دهه «انقلاب» با قبول تعهدات سیاسی و نظامی در آبهای جنوبی کشور تا مرزهای نامحدود در اقیانوس هند و برداشتن گامهای بلند بمنظور پیوند دادن کشور به پانگامهای نظامی بزرگترین دول امپریالیستی، میهن ما را بیش از پیش به دام ماجراهای نظامی و سیاسی کشاند.

مبارزه با انحصارها و تأمین استقلال اقتصادی کشور از خواسته های مردم ما و از دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

ترازنامه دهه «انقلاب»

شعارهای حزب توده ایران است، ولی دولت نه فقط با نقض قانون ملی شدن نفت و وسائل غارت مجدد منابع نفتی میهن ما را فراهم ساخت، بلکه سایر رشته های اقتصادی کشور را نیز بروی سرمایه های انحصاری خارجی باز نمود. اکنون در میهن ما از برکت ده سال «انقلاب مستمر»، تقریباً رشته ای وجود ندارد که انحصارهای سرمایه داری در آن نفوذ نکرده باشند. دهه «انقلاب» را بحق میتوان دهه نفوذ سرمایه های انحصاری خارجی در اقتصاد کشور دانست.

بسط مناسبات و همکاری با کشورهای سوسیالیستی و بویژه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی همیشه بسود استقلال و پیشرفت میهن ما بوده و از شعارهای دائمی حزب توده ایران است. با اینکه دولت ایران با تغییر تناسب نیروها در جهان بسود صلح و سوسیالیسم و زیر فشار ضرورت های اقتصادی جامعه ایران، ناگزیر در راه گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی گامهایی برداشته، ولی هنوز از تمام امکانات موجود در این زمینه استفاده نمیکند و علی رغم واقعیتهای موجود در کشورهای سوسیالیستی و ضرورت های ناشی از ایجاد محیط سالم برای دوستی و تفاهم تمام دستگاههای تبلیغاتی رسمی و مطبوعات کشور را به آتشگاه مبارزات مستقیم و غیر مستقیم ضد کمونیستی و ضد شوروی مبدل کرده است.

تأمین دوستی و همکاری بر پایه برابری حقوق، عدم مداخله و منافع متقابل با تمام کشورهای جهان و بویژه با کشورهای همجوار از مطالبات مردم ایران و از شعارهای حزب توده ایران است. ولی رژیم سیاسی مسلط بر ایران با آنکه تحت فشار برخی عوامل خارجی در راه عادی کردن روابط، آنهم با مقاصد خاص، با برخی کشورهای عربی گامهایی برداشته، ولی با بیش گرفتن سیاست نظامی گری ماجراجویانه و سیطره طلبانه در هم پیوندی با سیاست های امپریالیستی موجبات تیرگی مناسبات و زنگارانی بحق برخی کشورهای دیگر را فراهم آورده است (عراق و یمن و هند نمونه های بارز آنست).

بر انداختن رژیم ارباب - رعیتی و حل مسئله ارضی بسود دهقانان از خواسته های مبرم جامعه ما و از شعارهای اساسی حزب توده ایران بود. رژیم در مقابل واگذاری بخشی از زمینهای زراعتی به دهقانان، آنهم در برابر پرداخت مبالغ هنگفت، دست مالکان را برای بهره برداری از اراضی وسیعی که پس از اصلاحات ارضی بعنوان گوناگون در مالکیت آنها باقی است، آزاد گذارده و دهها هزار هکتار ارضی جدید را با تأمین وسائل لازم از قبیل آب و برق و راه، با سهلترین شرایط و با انواع کمکهای مالی و فنی در اختیار مالکان و سرمایه داران نهاده است. از اصلاحات ارضی در ایران بیش از همه مالکان و سرمایه داران و قشرهای

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱

اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت

(که چنانکه بارها از طرف مقامات و مطبوعات امریکائی تصریح شده، بدست سازمان جاسوسی امریکائی «سیا» انجام یافته بود)، از طرف محافل غارتگر امپریالیستی امریکا و انگلیس و بدست کودتاگران بر مردم ایران تحمیل شد. این قرار داد ننگین که نقض عملی قانون ملی شدن صنایع نفت بود هرگز از طرف مردم ایران برسمیت شناخته نشد و پیوسته و بحق بعنوان يك قرار داد تحمیلی نواستعماری، بعنوان يك وسیله تاراج گری ثروت عمده کشور ما و بعنوان خیانت به مصالح ملی ایران تلقی گردیده و میگردد. در ارتباط با انعقاد این قرار داد است که کودتای ۲۸ مرداد، که در واقع تدارک زمینه سیاسی برای تحمیل آن بود، همیشه مانند صفحه سیاهی در تاریخ کشور ما ثبت خواهد بود.

کنسرسیوم بین المللی نفت باتکاه این قرارداد طی ۱۶ سال یعنی از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۷۰ قریب يك میلیارد و سیصد میلیون تن نفت ایران را بتاراج برد و این میزان به بیش از ۱۵ درصد کل ذخیره هفت میلیارد و نیم تن نفت ایران بالغ میگردد. اگر اصل ۵۰ - ۵۰ درصد در تقسیم سود در این مدت واقعی بدانیم (که واقعی نیست) در آن صورت کنسرسیوم از محل نفت کشور ما در مدتی که با کردیم بیزان هفت میلیارد و چهار صد میلیون دلار سود بدست آورده است. این ارقام دامنه غارتگری کنسرسیوم را بخوبی نشان میدهد.

شاه در نطق خود برای اولین بار تصریح کرد که کنسرسیوم حتی مفاد این قرار داد تحمیلی و غارتگرانه را نیز اجرا نکرده است و دو مورد از موارد عیدیه عدم اجرا را بیان داشت. روشن است که مردم ایران از این تصریح مهم نیز که دلیل دیگر بر غارتگریها و تجاوزات کنسرسیوم است و ضرورت و قانونیت خاتمه دادن باین غارتگری را یکبار دیگر تسجیل مینماید، اتخاذ سند میکنند.

جنبش مردم ایران در راه ملی کردن صنایع نفت بیست سال پیش برای قطع تاراج گری انحصارهای امپریالیستی دست بمبارزه زد و بهمین جهت مورد شدیدترین کین تیزی های امپریالیسم و ارتجاع ایران قرار گرفت. کودتای خائنه ۲۸ مرداد، این جنبش ملی را با وحشیگری بی امان سرکوب کرد. ولی جنبش رهائی بخش ملی ما و مهمترین پیروزی تاریخی آن، که اولین پیروزی بزرگ نیروهای ضد امپریالیستی در جهان سوم در دوران پس از جنگ دوم جهانی بود، یعنی ملی کردن صنایع نفت ایران، بی ثمر نماند و تأثیرات عمیق و دراز مدتی در مردم ایران و خلقهای سایر کشورهای نظیر میهن ما باقی گذاشت. جریان ملی کردن صنایع نفت در ایران هرگز از خاطر نیروهای مترقی جهان محو نشده و نمیشود و همیشه از آن به احترام فراوان یاد کرده اند و میکنند. نتیجه اثرات عمیق این اقدام در جامعه کشور ما آن بود که هرگز هیئت حاکمه نتوانست با تمام جبار و جنجال تبلیغاتی و توضیحات و

توجهات مکرر در مکرر نقض عملی ملی کردن نفت و انعقاد قرار داد با کنسرسیوم را در نزد مردم ایران مقبول و مطبوع سازد و تلخی آنرا از یادها بزداید.

حزب ما این افتخار تاریخی را بحق از آن خود میسرمد که همیشه در اولین صفوف مبارزه برای اجراء تمام و کمال قانون ملی کردن نفت قرار داشته و هر گونه کوششی برای توجیه و تبرئه قرار داد غارتگرانه با کنسرسیوم را افشاء کرده است. تردیدی نیست که مبارزات طولانی، پیگیر، مستدل و منطقی حزب ما در تجهیز افکار عمومی علیه این قرار داد ننگین، در افشاء بند و بستهای هیئت حاکمه، در وادار کردن آن به عقب نشینی کمونی نقش مؤثری داشته است. بهمین جهت بدون علت نیست، همانطور که زمانی، تدارک قرارداد با کنسرسیوم با هجوم وحشیانه علیه حزب ما و سرکوب خونین آن همراه بوده، اکنون نیز که این عقب نشینی انجام میگردد باز حربه افتراء به حزب ما که در این مورد نیز روشن ترین مواضع را داشته و جدیترین مبارزات را کرده است، بمیان میآید.

حزب مادر اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی مورخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۵۱ موضع خود را در مسئله نفت و کنسرسیوم با صراحت بیان داشته و اعلام کرده است که وی تمهید قرارداد با کنسرسیوم را خیانت میسرمد و معتقد است که شرایط جهان و منطقه و دیگر شرایط لازم همگی برای اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت و بهره برداری مستقلانه و ثمر بخش ایران از منابع نفت ملی از هر باره مساعد است. حزب ما در این سند بشکل مشخص نشان داد که چگونه میتوان برای تأمین فروش نفت و فرآورده های نفتی ایران در بازارهای نفتی جهان عمل کرد. چنانکه از سخنرانی شاه بر میاید دولت ایران علیرغم اعلام صریح خودداری از تمهید قرارداد اسارت بار کنسرسیوم پس از انقضای مهلت آن روش خود را در قبال جوانب مختلف این مسئله با روشنی و صراحت تعیین نکرده و راههایی را باز میگردد که غارتگری کنسرسیوم را کماکان و باشکال تازه مستور - تری نگاه میدارد.

ما بار دیگر با صراحت میگوئیم که امکانات امروزی جهان هم ممکن وهم ایجاب میکند که ایران با قاطعیت راه اداره و فروش مستقلانه نفت را بدون واگذاری هر گونه امتیاز جدیدی که محدود کننده منافع ملت ایران باشد، در پیش گیرد. تجارب اخیر کشورهای تولید کننده نفت نمودار این امکانات است. بعنوان مثال میتوان گفت که همسایه غربی ما جمهوری عراق توانسته است، علیرغم مشکلات اولیه بتدریج راه را برای اجراء واقعی ملی کردن نفت عراق بگشاید. جالب توجه است که حتی کشوری مانند ترکیه با وجود تمام تعهدات سیاسی و بیوندهای خود با امپریالیسم حاضر میشود علیرغم فشار کارتلها از نفت ملی شده عراق سه میلیون تن خریداری کند. آری، در جهانی که تناقض بین انحصارهای کشورهای امپریالیستی بصورت يك

جنگ واقعی اقتصادی در آمده، در جهانی که اردوگاه سوسیالیستی بعنوان طرف محکمی برای بزرگترین دادوستدهای برابر حقوق وجود دارد، در جهانی که کشورهای صنعتی و با در حال صنعتی شدن بیش از پیش بمنابع انرژی نیازمندند قبول شرایط محدود کننده از طرف کنسرسیوم و دادن امتیازات جدید به کارتل بین المللی در حکم تسلیم منابع ملی به غارتگران امپریالیستی است. تنها شعار مورد قبول مردم ایران عبارت است از کوتاه کردن قطعی و نهائی دست غارتگر کنسرسیوم بین المللی از منابع نفت ایران و آنهم کوتاه کردن هرچه زودتر آن. ادعای کنسرسیوم دایر بر اینکه گویا تمهید ۵ سال به ۵ سال قرار داد موجود امری است خود بخودی، فاقد هر گونه پایه منطقی و حقوقی است. مردم ایران پرداخت هیچگونه باصطلاح خسارتی را به کنسرسیوم قبول ندارند. مادر اینجا یکبار دیگر این نکات بدیهی را تصریح میکنیم که: نفت ایران ملی است؛ قانون ملی شدن صنایع نفت ایران تمام و کمال بقانونی خود باقی است و باید اجراء شود؛ شرکت ملی نفت ایران طبق قرارداد اسارتبار ۱۹۵۴ کلیه غرامتی را که شرکت سابق نفت بوی تحمیل کرده بود پرداخته است و اینک مالک مطلق منابع، صنایع و تأسیسات نفتی است.

هموطنان عزیز!

اکنون امکانات واقعی وجود دارد که يك آرزوی بزرگ ملی ما یعنی اجرای تمام کمال قانون ملی کردن صنایع نفت و قطع دست تاراجگر کنسرسیوم بین المللی از منبع ثروت اصلی کشور ما عملی شود. تجربه نشان داده است که بیداری و مبارزه مردم و اعمال فشار به هیئت حاکمه میتواند نقش مؤثری داشته باشد. با هر وسیله که میتوانید به هیئت حاکمه اعمال فشار کنید که به ساشی با کنسرسیوم تن در ندهد و روش مشخصی برای اداره و فروش مستقلانه نفت ایران در پیش گیرد و اجراء نماید.

کوتاه شدن دست کنسرسیوم از کشور ما به استقلال کشور ما و تکامل سریع اقتصادی آن کمک عظیمی خواهد کرد. وظیفه ملی هر ایرانی است که در این زمینه آنچه در قوه دارد بکار بندد و هیچگونه غفلت و مسامحه را روا نداند. شرایط برای ثمر بخشی چنین مبارزه ای مساعد است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۶ بهمن ماه ۱۳۵۱

با این آدرس با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

دنباله از صفحه ۱

درد شور انگیز بخلق قهرمان ...

گرنزی نماند و مجبور شد در زیر قراردادی که سالیان دراز با مفاد مهمترین مواد آن دشمنی عنودانه و رزیده بود امضاء گذارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این پیروزی بزرگ تاریخی را که نتایج و عواقب فراوان در تاریخ انسانیت داشته و خواهد داشت به حزب برادر جمهوری دمکراتیک ویتنام و رهبران جبهه رهایی بخش ویتنام جنوبی شاد باش میگوید. گام نخست در یک راه دشوار که باید منجر به وحدت ویتنام و ایجاد جامعه شکوفان و دمکراتیک در این سرزمین بلادیده بشود برداشته شد و ما اطمینان داریم خلقتی که از اندیشه‌های پیشوای بزرگ خود هوشی مین الهام میگیرد و چنان در مبارزه خود استوار و سر سخت است این راه را تا آخر با ظفر مندی طی خواهد کرد و کامکان از پشتیبانی همه نیروهای مترقی جهان و دریشایش آنها کشورهای سوسیالیستی برخوردار خواهد بود.

قرارداد منعقد شده معتبری است که پیروزیهای خلق ویتنام و شکستهای امپریالیسم آمریکا و چاکران دست نشانده‌اش را بخوبی نشان میدهد. موافق این قرارداد آمریکا مجبور شد قرارداد سال ۱۹۵۴ ژنو را که با خشونت نقض کرده بود بار دیگر برسمیت بشناسد، به حمایت خود از رژیم ضد ملی و تروریستی دارودسته خائن ویتنام جنوبی خاتمه دهد و راه را برای یک حکومت آشتی ملی با شرکت نیروهای خلق با حق برابر بر اساس توافق باز گذارد. امپریالیسم آمریکا مجبور شد وحدت ارضی ویتنام و حق تعیین سر نوشت آنرا مورد تصدیق قرار دهد. امپریالیسم آمریکا مجبور شد تعهد بسپارد که کلیه نیروهای زمینی و هوایی و دریایی، نظامی و شبه نظامی و مشاوران فنی و کارکنان وابسته خود را طی ۶۰ روز از سرزمین ویتنام خارج کند. امپریالیسم آمریکا مجبور شد وضع موجود را در ویتنام جنوبی که دو سوم سرزمین آن در دست نیروهای آزادیبخش ملی است بمشابه واقعیتی بپذیرد.

مبارزات طولانی و خونین خلق ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا و دست نشانده‌اش یک تجربه تاریخی و گرانبهاست و نمودار رشد روز افزون نیروهای سوسیالیسم، صلح و دمکراسی و مجموعه جبهه وسیع و گسترده ضد امپریالیستی جهانی است.

این تجربه تاریخی پیش بینی کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری منعقد شده در مسکو در ژوئن ۱۹۶۹ را تأیید کرده است. در سند اصلی مصوب این کنفرانس در مورد ویتنام چنین میخوانیم: « کامیابهای خلق قهرمان ویتنام بنحوی متعین نشان میدهد که در حال حاضر برای خلقهایی که قاطع و با کلیه وسایل از استقلال و حاکمیت و آزادی خویش دفاع میکنند و از پشتیبانی وسیع جهانی برخوردارند ایراد شکست به تجاوز امپریالیستی پیش از پیش میسر است ».

تجربه تاریخی ویتنام محتوی همبستگی

نیروهای انقلابی و مترقی جهانی را بشکل درخشانی نشان داده کمک همه دوستان و هواداران ویتنام بپرتو کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه آنها اتحاد شوروی در موفقیت نهایی خلق ویتنام نقش مؤثر داشته است.

تجربه تاریخی ویتنام در عین حال درس عبرت انگیزی برای چاکران امپریالیسم و مرتجعین نظیروان تیو در دیگر کشورهای است. این درس نشان میدهد که رژیمهای ضد خلقی و ضد دمکراتیک هر قدر هم به سرزنشهای خودی و بیگانه متکی باشند و بکوشند تا از راه ترور آزاده خود را بر جامعه تحمیل کنند قادر نیستند در دوران ما تا دیرگاهی دوام آورند زیرا جهان بسوی پیروزی جنبشهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک، بسوی پیروزی خلقها در حرکت است و این حرکتی است که بر شتاب آن بیش از پیش افزوده میشود.

حزب ما در تمام جریان جنگ ویتنام پشتیبانی پر شور، قاطع و صمیمانه خود را از این نبرد مقدس اعلام داشت و با کلیه وسائلی که داشت افکار عمومی ایران را به پشتیبانی از این نبرد جلب نمود، مبارزه، خلق ویتنام در کشور ما در نزد قشرها و بخشهای مختلف جامعه همیشه مورد علاقه و حمایت پر شور بوده است و این خود علامت قدرت تشخیص سالم مردم ایران است که حتی یک لحظه فریب تبلیغات وسیع امپریالیستی را در این زمینه نخوردند. هیئت حاکمه ایران، علیرغم برخی اظهارات عمومی و لفظی، در عمل بارها به سیاست غارتگران امپریالیستی همبستگی نشان داد. در جریان حملات اخیر بر برمنشانه هوایی آمریکا در ویتنام شمالی هیئت حاکمه ایران تعداد زیادی هواپیماهای فانتوم در اختیار نیروهای متجاوز قرار داد. این روش دورویانه پیوسته از طرف مردم ایران محکوم شده و میشود.

مردم ایران، هم میهنان عزیز! با نگارش نامه و با هر وسیله دیگری که میدانید این پیروزی بزرگ خلق ویتنام را شادباش گوئید. مردم قهرمان ویتنام برای احیاء اقتصاد خود که جهنم سوزان یک جنگ بیهوده گونه کمکی دارند. بهر شکلی که میسر میدانید به احیاء اقتصاد زبان رسیده جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی کمک مادی کنید. این کمکها هر قدر هم که کوچک باشد مهم است زیرا ارزش معنوی آن بالاتر از ارزش مادی آنست. از دولت بطلبید که در جنبش جهانی کمک اقتصادی به ویتنام شرکت مؤثر نماید. از دولت بطلبید که با جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی روابط دیپلماتیک برقرار سازد. بیداری و هشیاری و پشتیبانی خلقها برای اجراء مفاد قرار داد صلحی که بدست آمده ضرور است و مردم ایران مسلماً بنقش خود در این زمینه واقفند.

درد شور انگیز بخلق قهرمان و پیروزمند ویتنام!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۵۱

دنباله از صفحه ۲

ترازنامه دهه «انقلاب»

مرقه دهقانی سود برده اند.

داشتن حق رأی و آزادی انتخابات از خواستهای همیشگی مردم و از شعارهای دائمی حزب توده ایران است. رژیم سیاسی حاکم بر ایران دادن حق رأی ظاهری به زنان را از مظاهر انقلاب دهساله ایران جلوه میدهد ولی آزادی رأی و شرکت آزاد در انتخابات را از قاطبه مردم سلب میکند.

رژیم، وجود احزاب دولتی را که بفرمان شاه پدید آمده و به اشاره انگشت او میگردند، وجود انواع سازمانهای صنفی و اجتماعی را که تحت نظارت مستقیم ساواک تشکیل شده‌اند، از جلوه‌های دمکراسی در دهه «انقلاب» قلمداد میکند. ولی اگر مشتی درباری و جاه طلب و آزمند از این سازمانها برای پیش بردن مقاصد سیاسی و نيات سود جویانه خود استفاده میکنند، اکثریت قاطع مردم ایران از تشکیل احزاب و سازمانهای واقعی مدافع منافع سیاسی و صنفی خود، محروم شده‌اند. انجمنهای استان و شهرستان و شهر و ... که بمشابه نمودارهای دیگر دمکراسی دوران «انقلاب» عرضه میشوند، در کنار مجلس فرمایشی، جولانگاه نمایندگان احزاب دولتی هستند که بر حسب نيات عالیه ملوکانه و با نظارت مستقیم سازمان امنیت جای نمایندگان واقعی مردم را گرفته اند.

رشد نسبی اقتصاد و صنعت کشور که رژیم آنرا از «معجزات انقلاب» جلوه میدهد، با امکانات واقعی و نیازمندیهای مردم و آتی کشور هماهنگی ندارد. عقب ماندگی جدی کشاورزی، تورم شدید دستگاههای اداری و نظامی، نقش روز افزون نفت در رشد درآمد ملی، توسعه بیکاری و سیل مهاجرین سرگردان در شهرها - همه گنگی ناشی از رشد نامتناسب و پر تناقض اقتصاد ملی ما است. غارت منابع ملی بوسیله انحصارهای خارجی، پیوستن به سیاستهای ماجراجویانه امپریالیستی، گسترش نظامیگری عنان گسیخته، مخارج غیر تولیدی دستگاههای اداری، حیف و میل اموال دولتی، هزینه‌های تجملی ثروتمندان - همه گنگی مانع رشد سریع و همه جانبه اقتصاد کشور میگردد و جریان توزیع در آمدنها را به سود صاحبان ثروت و جاه و بیزبان زحمتکششان شهر و روستا بیش از پیش تغییر میدهند.

برخی از سخنگویان رژیم که ناچارند بوجود معایب عمیق و عدیده جامعه امروزی ایران اعتراف کنند میخواهند آنرا توجیه نمایند و وجود این تناقضات و نقائص را «ناگزیر» و «نتیجه» رشد تند «جلوه‌گر» سازند! روشن است که این سخنان سفسطه‌ای بیش نیست. یک دولت ملی و دمکراتیک نمیتوانست با استفاده از امکانات و شرایط بسیار مساعدی که ایران از آن برخوردار است و با اتخاذ یک سیاست علمی و خلقی نه فقط رشد تندتر از این را تأمین کند، بلکه

از معایب عمیق کنونی احتراز نماید.

این همه معایب عمیق و تناقضات باصطلاح ناگزیر نمیتوانست باوا کنش مردم مواجه نگردد. با نتیجهت دولت در این ده سال بیش از بیمارستان مجهز و درمانگاه واقعی، زندان و خانه‌های ویژه ساواک ساخته، در این ده سال بیش از پزشک مأمور ساواک تربیت کرده، در این ده سال بیش از خانه مسکونی، بناهای نظامی احداث کرده و بیش از کارگرماهر، سرباز تعلیم داده، در این ده سال «ثبات» و «آرامش» بیش از هر زمان «عادی» دیگر گلوله تحویل مردم داده است.

چنین است دستاوردها و نتایج و جلوه‌های «انقلاب»!

حزب ما علل عینی، انگیزه‌های ذهنی، ماهیت واقعی، نتایج آتی و عواقب آتی این رفرها و اقدامات رژیم را از دیدگاه یک حزب مارکسیستی - لنینیستی بارها بررسی کرده، بتدریج بر عمق و دامنه آن افزوده و ارزیابی‌های خود را بیش از پیش بر موازین علمی و واقع بینانه مبتنی کرده است. حزب ما در این بررسی‌ها و ارزیابی‌ها، هم با چپ - روان بی مسئولیتی که برای توجیه خط مشی ماجراجویانه خود دیده از واقعیتها بر تافته‌اند، هم با راست اندیشان رنگ باخته‌ای که برای تیرنه سازشکاری خود به آرایشگری رژیم پرداخته‌اند و هم با طراحان و مجریان و ستا - یشرگان مزدور این رفرها و اقدامات که میخواهند آنها را بجای انقلاب جا بزنند، مبارزه بی امان کرده و خواهد کرد.

تجربه زندگی، واقعیت‌های روزانه و حوادث پیش آمده - جمله گنگی صحت ارزیابی‌های حزب ما را به ثبوت میرساند. رژیم به روشها و شیوه‌های عمل ضد ملی و ضد دمکراتیک خود پایان نداد است. ترازنامه دهه «انقلاب» نشان میدهد که رژیم ایران بیش از پیش منافع واقعی مردم ایران را پامال میکند و هرچه در این راه پیش تر میرود بر جباری و جلادی خود میافزاید.

مسعود.

رادیو پیک ایران را

بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر پهنای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه بخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

شماره حساب بانکی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار شرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

مشی اصولی حزب توده ایران پیروز است

(سخنی چند با رفقای حزبی و همه دوستان و هواداران حزب)

در دوران ما تناسب نیروها بسودصلح و دموکراسی و سوسیالیسم مستمراً در تغییر است. نیروهای صلح به کامیابیهای تازه بتازده ای دست می یابند و هواداران «جنگ سرد» اینجا و آنجا مجبور بعقب نشینی میشوند. در این شرایط مبارزه طبقاتی، مبارزه ایدئولوژیک بیش از پیش شدت می یابد. امپریالیسم و ارتجاع تمام زرادخانه تبلیغاتی خود را علیه نیروهای اصیل و انقلابی عصر ما تجهیز میکنند. شوه ها و نیزنگهای تبلیغاتی خود را مرتباً تجدید مینمایند تا بتوانند ولو برای مدتی، مواضع کهنه را دست نخورده نگاه دارند. در این پیکار عظیم جهانی، حملات امپریالیسم و ارتجاع و نیز حملات دیگر نیروهایی که دانسته یا ندانسته و برای مقاصد و نیت گوناگون، بطور عینی در جهت هدف های امپریالیسم و ارتجاع عمل میکنند، متوجه پیگیرترین، سرسخت ترین، استوارترین نیرو هائی است که از امر نبرد بخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم مدافعه میکنند و این امر مقدس را پیش میبرند. بهمین جهت کین جوانی و پورش های سفسطه آمیز و رنگا رنگ تبلیغاتی بویژه متوجه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، این مقتدرترین در صلح و سوسیالیسم، و متوجه احزاب کمونیستی و کارگری است که راسخ ترین و ثبات قدمترین مبارزان در راه هدفهای طبقه کارگرند. در پورش به این نیروها مابین محافل امپریالیستی و ارتجاعی مائوئیستها و دیگر تفرقه اندازان و اشعاب گران در جنبش کارگری عملاً همکاری دیده میشود.

در محیط کشور ما این نیروها مدتها است روش ضد شوروی و ضد توده ای را در پیش گرفته اند. رژیم ایران که هر چند ی یکبار ورشکست و نابودی و انحطاط قطعی و نهائی حزب توده ایران را بقصد تسلی خود و برای پائین آوردن اعتبار حزب و نومید کردن توده ها اعلام میدارد، با اینحال هیچ فرصت را برای حملات کین توژانه و سبانه یحزب ما از دست نمیدهد. سر مقاله های جرائد دولتخواه، سخنرانهای شاه، نخست وزیر، وزیران، و کیلان، اظهارات ارتداد آمیز چپ روهائی که به ساواک تسلیم شده اند، همه و همه سرشار از دشنام گوی مستمراً و بی خستگی به حزب توده ایران است. چرا؟ اگر درست است که موافق ادعای مخالفان، حزب توده ایران حزبی است که «بیست سال پیش» در دوران بااصطلاح «هرج و مرج» زندگی میکرد، و اینک مدتهاست که دیگر نابود شده، اگر درست است که ببرکت «انقلاب سفید» همه افراد ملت با صف های فشرده در پشت سر هیئت حاکمه ایستاده اند، پس این ترس و سراسیمگی و لعن و نفرین و همه و آشوب برای چیست؟ حقیقت آن است که ارتجاع ایران نیک میداند که حزب توده ایران زنده است، نیک میداند که عقب

انشعاب میگردند، ما را به دنباله روی از سیاست شوروی و سازش با رژیم متهم میساختند. هنوز هم این اتهام از طرف چپ روها تکرار میشود. ولی همین چپ روها، وقتی تسلیم میشوند و راه ارتداد در پیش میگیرند، باز هم ما را به دستورگیری از عالم به اصطلاح بالا متهم میسازند. راز تکرار این اتهام اینست که امپریالیسم و ارتجاع و منحرفان «چپ» و راست میدانند که مابه اصلی قوت و قدرت احزاب طبقه کارگر در همین انترناسیونالیسم است. حتی تبلیغ میکنند که گویا «کمونیسم» البته بشرط آنکه ضد شوروی باشد برای آنها قابل تحمل است. ولی اشکال این توقع محال در آنست که کمونیسم ضد شوروی وجود خارجی ندارد و واقعت زمان نشان داده است که سرانجام آن کمونیست هائیکه بدام ضد شوروی افتاده اند، پرتگاه است.



در سالهای اخیر اقدامات و تبلیغات مختلف از خارج و داخل علیه حزب ما بقصد نابود و منحل کردن آن انجام گرفته است. در این اقدامات و تبلیغات مائوئیست هائی که از حزب انشعاب کرده اند و با تبلیغ یک سیاست ماجراجویانه زیانهای عظیم به نهضت وارد ساخته اند و میسازند سهم مشخصی داشته و دارند. ولی این تبلیغات مائوئیستی بتدریج تأثیر خود را از دست میدهد. مشی درست حزب ما در مسائل جهان و ایران، که در ابتدا با موج گل آلودی از عوامفریبی های پر جنجال «چپ» روبرو شده بود، شروع به رسوخ کرد. عوامفریبان «چپ» خود را رسوا کرده اند و میکنند. لذا اینک تفرقه جوین نوع جدیدی زمینه را برای مقابله با مشی اصولی حزب آماده میکنند. این تفرقه جوین با تزه های بااصطلاح تازه ای - که در واقع ابداً تازه نیست - و تکرار نغمه های قدیمی است بمیدان آمده اند این بار دیگر سیاست آشکارا ضد شوروی بشیوه مائوئیستها که بیش از پیش ورشکسته شده، در ظاهر بکنار گذاشته میشود، ولی در واقع فقط پرده پوشی میشود. چنانکه در مورد برخی از این تفرقه گران شنیده شده آنها دعوی میکنند که گویا با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی، مشی جهانی آنها و حتی سیاست آنها در ایران موافقت، با خط مشی مائوئیستی نیز موافقتی ندارند. فقط با حزب توده ایران و رهبری آن مخالفند، زیرا این رهبری گویا برنامه حزب را جزئی از سیاست شوروی ساخته است.

این نغمه ضد حزبی با وجود «ظرافتی» که بمنظور فریب افکار در آن بکار برده شده چنانکه گفتیم بهیچوجه تازه نیست و همان تکرار سخنان قدیمی است که مخالفان حزب ما هم نوا با تبلیغات ارتجاعی، مدتهاست سر داده اند؛ خلاصه آنکه حزب توده ایران مستقل نیست؛ برنامه حزبی اش جزئی است از سیاست شوروی در ایران؛ لذا باید از آن کناره گرفت و بدنبال ماجرای تازه رفت. حزب ما مشی خود را در نهایت استقلال و فقط و فقط براساس تحلیل علمی وضع جهان و ایران معین میکند و برنامه اش بر پایه

مصالح واقعی زحمتکشان جامعه ایران تنظیم شده است. این نه فقط اتهام به حزب توده ایران و رهبری آنست، بلکه اتهام فجیعی است به احزاب برادر و بویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی. احزاب برادر بخوبی میدانند که هر یک در شرایط اجتماعی ویژه ای عمل میکنند و تنها حزب طبقه کارگر هر کشوری ذیعق است وظائف جنبش انقلابی را براساس تحلیل وضع مشخص معین کند.

مبارزه ما با ماجراجویی و چپ روی ناشی از تحلیل عمیق ما از وضع کنونی تکامل جریان انقلابی اجتماعی در کشور ماست. مشی حزب توده ایران با همان قوت و شدت که با انحرافات چپ مبارزه کرده است، با انحرافات راست، تسلیم طلبی، ستایشگری از رژیم ضد دموکراتیک و ضد خلقی ومدح و ثنای «انقلاب سفید» شاه نبرد کرده است و میکند و از پاکیزگی و اصالت مارکسیسم - لنینیسم با تمام قوت منطقی و حرارت انقلابی علیه انحراف چپ و راست مدافعه مینماید. این سفسطه که گویا چنین مشی اصولی و علمی و ناشی از تحلیل واقعتی آن و ایران بااصطلاح «جزئی از سیاست» این یا آن کشور سوسیالیستی است یک هوچی بازی حساب شده برای کاستن از قدرت نفوذ این مشی و مبتذل کردن هواداران آنست تا راه برای توطئه گریهای سازمانی و سفسطه ایدئولوژیک انحرافی باز شود.

حزب توده ایران از راه آزموده ای که نتیجه تجارب طولانی و زندگی پرفراز و نشیب اوست بعزت جنبه ها و توطئه های این و آن عقت نشینی نخواهد کرد و در مواضع انقلابی و انترناسیونالیستی خود محکم باقی خواهد ماند. این تفرقه جوینند که با ایراد لطمات تازه به حزبی که از هر سو آماج پورشهای ارتجاعی است آب به آسیاب دشمنان انقلاب میریزند، بطور عینی به صف دشمنان حزب طبقه کارگر ایران می بونند. کسانی که در این سرانسیه های میگذرانند باید بدانند که نتیجه ای از عمل خود جز غوطه زدن در منجلاب تاریخ بدست نخواهند آورد.

ما برقهای حزبی و همه دوستان و هوا داران حزب زنده باش میدهم؛ در مقابل تحریکات تازه بیدار و هشیار باشید؛ توطئه گران و تفرقه جوین را فاش کنید؛ دسایس آنها را با طرد قاطع و قوی روبرو سازید؛ حزب ما به دشواریها خو گرفته است و از آن هراسان نیست. با امید راسخ به آینده مینگرد، در روش خود صدیق است و به صحت مشی خویش ایمان دارد، لذا مطمئن است که قضاوت مثبت مردم ایران و تاریخ کشور ما بسود پیروزی راه و هدف اوست. ما میدانیم که یک روش اصولی که از درک منافع مردم، از درک واقعت برخیزد، علیرغم ناکامیهای موقت، در طول تاریخ راه خود را بی امان بجلو خواهد گشود و صحت و فضیلت و درخشندگی خود را چون خورشید عیان خواهد ساخت.

زنده باد حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران!